

سیره اقتصادی امام علی علیه السلام

احمدعلی یوسفی *

چکیده

سیره اقتصادی امام علی علیه السلام در دو مرحله (سیره امام در اداره امور اقتصادی جامعه و سیره اقتصادی حضرت در رفتارهای اقتصادی شخصی) بررسی می‌شود. امام هنگامی که به حکومت رسید، وضعیت اقتصادی جامعه، به‌ویژه توزیع امکانات، بسیار نامناسب بود، لذا برای سامان دادن به این وضعیت، توزیع را به‌گونه مساوی انجام داد. همچنین از ذخیره‌سازی بیت‌المال و تأخیر در توزیع آن خودداری کرد. این قبیل سیاست‌ها باعث شد وضعیت اقتصادی جامعه دگرگون شود. فقر و بی‌عدالتی از بین برود و همه مردم کوفه از امکانات اولیه زندگی بهره‌مند شوند. امام در سیره اقتصادی شخصی بسیار اهل تلاش و تولید بود، اما در عرصه تخصیص درآمد شخصی برای هزینه‌های فردی خویش، به حداقل بسنده و درآمدها را در راه خدای متعال مصرف می‌کرد.

واژگان کلیدی

امام علی علیه السلام، سیره اقتصادی، تساوی در توزیع، عدم ذخیره‌سازی،

economy.islamic@gmail.com

تاریخ

*. دانشیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

تاریخ دریافت: 89/1/18

تأیید: 89/8/20

مقدمه

اگرچه اسلام با همه ابعادش در بستر زمانی آرام، به مرحله عمل نرسید، ولی برنامه جامع و سعادتمندانه زندگی را می‌توان از قرآن و گفتار و سیره معصومان علیهم‌السلام، به ویژه سیره و گفتار امام علی علیه‌السلام، گرفت که مسئول حکومت الهی در همه ابعاد بشری، در عرصه گسترده جغرافیایی بودند. امیرمؤمنان به لحاظ معنوی، و از جهت کار و تلاش اقتصادی در اوج بود. در سیاست و هدایت جامعه نیز شخصیتی فوق‌العاده به شمار می‌رفت. انسانی که در اوج قلّه معنویت باشد، به یقین وقتی از اقتصاد سخن می‌گوید یا در صحنه اقتصادی فعالیت می‌کند، سخن و رفتار اقتصادی‌اش بسیار متفاوت‌تر از سخن و گفتار و کردار اقتصادی افرادی خواهد بود که از معنویت، اخلاق و فضیلت‌های انسانی دور هستند، لذا پیام‌ها و نتایج اقتصادی هر کدام از این دو گروه برای بشر متفاوت خواهند بود. در این نوشتار، اقتصاد را از منظر و سیره علی علیه‌السلام بررسی می‌کنیم که در رفتار و گفتار، معصوم بود و پیام‌ها و رهنمودهای جاودانه در عرصه اقتصاد، برای بشر بر جای گذاشت.

اقتصاد، دانشی است که رفتارهای اقتصادی افراد در ارتباط با هم، با طبیعت و سایر امکانات اقتصادی و مردم با دولت و برعکس را بررسی می‌کند. نوع رفتارهای انسان در عرصه اقتصاد، از باورهای او به دنیا، خدا، آخرت و مفهوم سعادت و... ناشی می‌شود. امیرمؤمنان علیه‌السلام باورهای ویژه‌ای درباره این مقولات دارد که با تفکرات سردمداران مکاتب مادی متفاوت است؛ برای همین اقتصاد و ضوابط اقتصادی در نگاه علی علیه‌السلام غیر از دیگر دیدگاه‌های اقتصادی خواهد بود.

دوران حکومت امیرمؤمنان علیه‌السلام بسیار کوتاه و آن‌هم همراه با درگیری‌ها و جنگ‌های فراوان داخلی بود؛ با این حال حضرت علیه‌السلام برای بهبود وضعیت معیشتی و اقتصادی مردم، همت فراوانی کرد، که ثمره آن ارتقای چشمگیر سطح زندگی مردم کوفه - مرکز

حکومت علی علیه السلام - بود؛ به گونه‌ای که خود حضرت علیه السلام وضعیت کوفه را چنین توصیف می‌کرد:

مَا أَضْبَحَ بِالكُوفَةِ أَحَدٌ إِلَّا نَاعِمًا إِنَّ
أَذْنَاهُمْ مَنَزَلَةٌ لِّيَأْكُلَ الْبُرَّ وَ يَجْلِسَ فِي
الظِّلِّ وَ يَشْرَبُ مِنْ مَاءِ الْفُرَاتِ. (مجلسی، 1374: 40 / 327)¹

بر این اساس، همه مردم کوفه برخوردار از نعمت بودند و پایین‌ترین طبقات آنها نان گندم مصرف می‌کردند، منزل و سرپناه داشتند و آب گوارا می‌نوشیدند. جامعه‌ای که ضعیف‌ترین مردم آن از غذای خوب (نان گندم) استفاده کنند، صاحب منزل مناسب شوند و از آب گوارا و محیط سالم زندگی بهره‌مند باشند، جامعه‌ای است که مردم آن امکانات اقتصادی مناسب دارند و کسی برای امور ضروری اقتصادی دچار مشکل جدی نیست.

ایجاد چنین وضعیت اقتصادی در مدت کوتاه، با وضعیت بحرانی و بدون برنامه اقتصادی صحیح، غیر ممکن است. حال باید پرسید: امیرمؤمنان علیه السلام چه برنامه‌ها و سیاست‌های اقتصادی کارآمدی برای تحقق چنین وضعی داشت؟ هدف این تحقیق، استنباط و استخراج سیاست‌ها و برنامه‌هایی است که بتوان آن را به سخنان و روش اقتصادی امیرمؤمنان علی علیه السلام منتسب کرد.

روش تحقیق، «مطالعه کتابخانه‌ای» و «تحلیل متن» است. متن اصلی این تحقیق نهج البلاغه است و اهداف مقاله با تحلیل‌های عقلی و روش‌های عقلایی، دنبال می‌شود. در مواردی هم از منابع دیگر از جمله قرآن، برای نشان دادن اهمیت و استحکام روش

1. علامه مجلسی این روایت را از کتاب فضائل احمد بن حنبل نقل می‌کند؛ اما روایت را در این کتاب نیافتیم؛ البته دو مأخذ دیگر اهل سنت این روایت را با کمی تغییر در الفاظ نقل کرده‌اند. ابن ابی‌شیهه الکوفی (المصنف: 8 / 157) همین روایت را با سند «بومعاویه، عن لیث، عن مجاهد، عن عبدالله بن سخره» از علی علیه السلام نقل کرده است. متقی هندی هم (کنز العمال: 14 / 172) آن را با اندک تفاوت در الفاظ آورده است.

علی علیه السلام برای دفع هرگونه شبهه، بهره گرفته شده است.

در ادامه، به وضعیت اقتصادی هنگام به حکومت رسیدن امام اشاره می‌شود، علت به‌وجود آمدن آن وضعیت و سرانجام سیره حضرت در رفع مشکلات و رساندن مردم به رفاه مناسب را توضیح داده می‌شود.

وضعیت اقتصادی هنگام به حکومت رسیدن علی علیه السلام

جامعه در عصری که امام علی علیه السلام به حکومت رسید، به دو دسته فقیر و ثروتمند تقسیم می‌شد. ادا نکردن حقوق الهی، بخل، کفران نعمت و نداشتن تقوا اموری‌اند که حضرت وضعیت جامعه در آن دوره را به آنها وصف می‌کند که این قبیل امور باعث فقر گسترده شده بودند. (سید رضی، 1379: خ 129 / 134)

حکومت‌ها و رهبران جامعه همیشه نقش عمده در ایجاد یا برطرف کردن چنین شرایطی دارند. امیرمؤمنان علیه السلام در خطبه شقشقیه، عثمان و خویشاوندانش را مسئول وضعیت نابسامانی جامعه معرفی می‌کند و معتقد است با دست‌اندازی به بیت‌المال، جامعه را دچار چنین وضعیتی کردند. (همان: خ 3 / 10 و 11) منابع تاریخی هم مطالب فراوانی درباره وضعیت دارایی و زندگی عثمان نوشتند. دارایی وی نزد خزانه‌دارش، روزی که کشته شد، یک صد و پنجاه هزار دینار و یک میلیون درهم بود و ارزش زمین او در وادی القری، حنین و... به صد هزار دینار می‌رسید. از وی اسب‌ها و شتران بسیاری بر جای ماند. (مسعودی، 1409: 2 / 332) عبای پشمی سیاهش صد دینار می‌ارزید. (بلاذری، 1417: 6 / 102) عثمان خاصان اهل دروغ و نیرنگ را برگزید. هر یک از آنها به قسمتی از زمین چسبیده بودند و خراج آن را می‌خوردند و اهل آن را خوار می‌کردند. (طبری، 1357: 4 / 338)

منابع تاریخی مطالب فراوانی درباره ثروت‌های هنگفت برخی نزدیکان عثمان نوشته‌اند. دارایی زبیر پس از مرگش، پنجاه هزار دینار، هزار اسب و هزار غلام و کنیز بود. (مسعودی، 1409: 2 / 332) عبدالرحمن بن عوف زهری خانه بسیار وسیعی ساخت و طویله‌ای داشت با یک صد اسب، هزار شتر و ده هزار گوسفند. (همان: 333)

زید بن ثابت هنگام مرگ، آن قدر طلا و نقره داشت که آنها را با تبر خرد می کردند. افزون بر این، دارایی ها و زمین هایی را تصاحب کرده بود که صد هزار دینار می ارزید. طلحه روزی هزار دینار از غلات عراق درآمد داشت. سعد بن ابی وقاص خانه ای از سنگ گرانقیمت عقیق ساخت و یعلی بن حنیه، هنگام مرگ، پانصد هزار دینار و زمین ها و مطالبات بسیاری داشت که بهای آنها به سی صد هزار دینار می رسید. (همان: 2 / 341 و 342)

عثمان قدرت سیاسی، نظامی و اقتصادی در اختیار افراد خاصی قرار داد. این افراد با استفاده از قدرت سیاسی و نظامی، امکانات اقتصادی بیشتری را تحت تصرف خود و نزدیکان قرار می دادند و با استفاده از امکانات گسترده اقتصادی، توان سیاسی و نظامی خود را هم تقویت می کردند.

روشن است که وقتی قدرت سیاسی، نظامی و اقتصادی در اختیار انسان های پلید و حریص قرار گیرد، فقر و بیچارگی فراگیر می شود و تمام مناسباتی که براساس عدالت و تقوا از زمان رسول الله ﷺ شکل گرفته بود، درهم می ریزد و مناسبات جدیدی بر پایه ظلم جایگزین آن می شود و اکثر مردم در رنج و گرفتاری قرار می گیرند.

در کنار این دگرگونی مناسبات، امیرمؤمنان ﷺ را می بینیم که او هم می توانست بهترین امکانات را در اختیار بگیرد، اما سطح زندگی خود را در حد فقیرترین مردم نگاه داشت. (سید رضی، 1379: 2 / 314، ن 45) لباس علی ﷺ گاهی با پوست و گاهی با لیف خرما وصله می شد. کفش های او از لیف خرما بود. لباس کرباس کلفت می پوشید و وقتی می دید آستین آن بلند است، با شمشیر کوتاهش می کرد و نمی دوخت وقتی نان را با خورشت می خورد، خورشت او سرکه یا نمک بود. بالاتر از این، برخی گیاهان روییده از زمین بود و اگر می خواست از این هم بهتر باشد، کمی شیر شتر می خورد. از گوشت هم بسیار کم استفاده می کرد. (همان؛ محمدی ری شهری، 1421: 9 / 365 - 343)

چرا سطح زندگی متعادلی که در زمان رسول الله ﷺ ایجاد شده بود، از بین رفت و این چنین تفاوت طبقاتی در جامعه ایجاد شد؟

پاسخ زمانی روشن می‌شود که حجم درآمدهای مردم و حکومت بعد از رسول الله ﷺ و نوع سیاست‌های توزیعی حکومت‌گران روشن شود.

ثروت در اختیار خلفای قبل از علی علیه السلام

شبه جزیره عربستان و اطراف آن، هنگام بعثت رسول الله ﷺ به لحاظ اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، وضعیت بسیار بدی داشت. روابط نامناسب و ظالمانه اجتماعی، وضعیت ناهنجار قبیله‌محوری و کمبود و نامناسب بودن غذا از ویژگی‌های آن عصر بود. تلاش بیست و سه ساله رسول الله ﷺ در مکه و مدینه، وضعیت زندگی مردم را دگرگون ساخت. توان تهاجمی عرب را بالا برد، حکومت مقتدر و منسجمی ایجاد کرد. اوضاع اقتصادی بسیار پیشرفت کرد. بعد از رسول الله ﷺ هم کشورگشایی گسترده مسلمانان به راه افتاد و منشأ سرازیر شدن درآمدها شد. غنایم و خمس آنها، خراج و جزیه، عشور، زکات، اقالام مهم و عظیم به مرکز حکومت سرازیر شد و در مدت کوتاهی، انبوهی از دارایی‌ها در اختیار مسلمانان، به ویژه اهل حکومت قرار گرفت.

یکی از منابع درآمدها، غنایم و خمس آن بود. حداقل غنایمی که در طول بیست و پنج سال بعد از رحلت رسول خدا در اختیار مسلمانان قرار گرفت، سی و پنج میلیارد و ششصد و نود و هشت میلیون و ششصد و شصت و یک هزار و چهار صد و شصت و هشت درهم بود که خمس آن یعنی هفت میلیارد و صد و سی و نه میلیون و هفتصد و سی و دو هزار و دویست و نود و سه درهم در اختیار حکومت قرار گرفت.

گرچه رقم خمسی که محاسبه کردیم، عدد نجومی به نظر می‌رسد، اما همان گونه که پیامبر ﷺ پیشگویی کرده بود، دروازه‌های گنج دو امپراتوری جهان (ایران و روم) به سوی مسلمانان باز شده بود. با روشی که در محاسبه غنایم جنگ‌ها در پیش گرفتیم، این مقدار، دست کم خمس غنایم نقدی بود که وارد مدینه شد و در اختیار حکومت قرار گرفت.^۱ افزون بر خمس غنایم، سایر اقالام درآمدی نیز در اختیار حکومت قرار می‌گرفت.

1. نگارنده، ادله و استنادهای برآورد کمی غنایم، چگونگی محاسبه غنایم و منابعی را که مطالب این بخش از آنها اخذ شده، در فصلنامه تاریخ اسلام، شماره 16 آورده است.

هرگونه انحراف در توزیع نامناسب این درآمدها می‌توانست، جامعه و حکومت را اسیر جنگ افراد دنیاطلب سازد.

فراوانی ثروت می‌تواند نعمت و مایه هدایت، و هم نعمت و باعث غفلت از حق و آیین پاک اسلام شود. به دور نگه داشتن علی علیه السلام و اصحابش از اداره حکومت و جامعه باعث شد این ثروت بزرگ در اختیار افراد دنیاطلب و جاهل قرار گیرد و بستر غفلت فراهم شود. توزیع نامناسب درآمدها افزون بر اینکه انحراف مستقیم اقتصادی بود، زمینه بروز انحراف‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی بعد از وفات رسول الله صلی الله علیه و آله را هم فراهم آورد.

اصلاح توزیع ثروت

در ادامه بحث مناسب است به سیاست‌های توزیع نامناسب ثروت توسط خلفا و سیاست‌های اصلاحی علی علیه السلام اشاره شود.

1. تساوی و عدم تبعیض در تقسیم

عمر و عثمان از روش تقسیم پیامبر صلی الله علیه و آله در تقسیم بیت‌المال عدول کردند. عمر، اموری را برای برتری افراد در سهم‌بردن بیشتر از بیت‌المال، ملاک قرار داد. بنا بر اظهار خودش مقادیر متفاوتی را براساس معیارهایی مانند شرکت در جهاد، هجرت، زودتر ایمان آوردن و نسبت با رسول الله صلی الله علیه و آله تعیین کرد. (ماوردی، 1409: 266)

عمر برای کسانی که در جنگ بدر شرکت کرده بودند، پنج هزار درهم (حسن، حسین، ابذر و سلمان را به اهل بدر ملحق کرد)؛ برای مجاهدان بعد از بدر تا صلح حدیبیه، چهار هزار درهم؛ برای افرادی که از صلح حدیبیه تا جنگ ضد رده، همراه ابوبکر شرکت داشتند و کسانی که تا قبل از قادسیه حاضر بودند، سه هزار درهم؛ برای جنگجویان قادسیه و شام دو هزار درهم... قرار داد. برای عباس بیست و پنج هزار و به قولی دوازده هزار درهم؛ برای همسران پیامبر هر کدام ده هزار درهم، و برای عایشه دوازده هزار درهم تعیین نمود ... (طبری: 3 / 614 و 615) تفاوت در میزان حداقل و حداکثر، بسیار شد و برخی منابع تاریخی، این مبلغ را تا یک دهم ذکر کرده‌اند؛ یعنی

سهم طبقات پایین که به یقین اکثریت افراد جامعه را تشکیل می‌دادند، از بیت‌المال یک دهم سهم کسانی بود که بیشترین بهره‌مندی را از بیت‌المال داشتند. (همان: 50)

عثمان از معیارهای تقسیم عمر هم عدول کرد و در استفاده از بیت‌المال و امکانات عمومی به خویشاوندی با خود بسیار اهمیت داد. منابع تاریخی و روایی شیعه و سنی تبعیض‌های فراوان عثمان را در توزیع بیت‌المال بیان کرده‌اند. وی اموال بسیاری را از بیت‌المال به خود و بنی امیه اختصاص داد. (همان: 4 / 137)

ابن ابی‌الحدید می‌نویسد:

عثمان چراگاه‌های اطراف مدینه را به بنی‌امیه بخشید و فدک را به مروان داد. همچنین دستور داد از بیت‌المال صد هزار درهم نصیب وی کنند. زید بن ارقم، مسئول بیت‌المال، پیش عثمان آمد و کلیدهای بیت‌المال را در حالی که گریه می‌کرد، نزد عثمان نهاد... و گفت: من گمان بردم تو این مال را عوض اموالی که زمان رسول خدا ﷺ انفاق کردی، گرفتی. به خدا قسم! اگر به مروان صد درهم داده شود، بسیار زیاد است؛ آنگاه عثمان گفت: ای پسر ارقم! کلیدها را بده تا فرد دیگری را برای این مسئولیت برگزینم. (ابن ابی‌الحدید، 1407: 3 / 168 و 169)

بخشش‌های عثمان چنان افسارگسیخته بود که منابع تاریخی و روایی نوشته‌اند:

عثمان، عموی خود، حکم بن عاص را که پیامبر او را از مدینه بیرون رانده بود، برگرداند و سیصد هزار درهم صدقات قبیله قضاعه را به وی بخشید. (بلاذری، 1417: 6 / 137؛ ابن ابی‌الحدید، 1407: 3 / 35)

خمس غنائم آفریقا را به مبلغ دو میلیون و پانصد و بیست هزار دینار و فدک را به پسر عموی خود مروان بن حکم داد. (ابن ابی‌عقوب، 1373: 2 / 165 و 166)

به پسر عموی دیگرش حارث بن حکم صد هزار درهم (ابن ابی‌الحدید، 1407: 1 / 199) و مکانی را به نام مهزور (مکان بازار مدینه) بخشید. (همان: 198)

به سعید بن عاص هم صد هزار درهم از بیت‌المال داد. (ابن ابی‌الحدید،

علامه مجلسی نیز درباره بخشش‌های عثمان می‌نویسد:

ابوسفیان بن حرب، دویست هزار درهم؛ عبدالله بن ابی‌سرح، یک پنجم
خمس غنائم آفریقا در جنگ اول؛ زید بن ثابت، ده هزار دینار و برخی
باغ‌های نخل مدینه؛ ربیعہ بن حارث، صد هزار درهم یا دینار؛ طلحة بن
عبیدالله، دویست هزار دینار و زمینی در کوفه؛ زبیر بن عوام، ششصد هزار
درهم یا دینار از دارایی‌های اصفهان. (مجلسی، 1374: 31 / 267 - 264)

عثمان در تصرف و چپاول بیت‌المال گوی سبقت را از دیگران ربوده بود که منابع
روایی و تاریخی، این مطلب را نیز از دیده دور نداشته‌اند. پیش‌تر مطالب لازم درباره
ثروت عثمان بیان شد.

عدول از اجرای آموزه‌های اسلامی و سیره عملی رسول الله ﷺ در عرصه‌های
اجتماعی و اقتصادی، وضعیت اقتصادی و اجتماعی را به شدت بحرانی کرد. با وجود
منابع درآمدی هنگفت مانند غنائم، خراج، جزیه، عشور، زکات و خمس، بخش بزرگی از
جامعه دچار فقر شدند. مساوات و برادری در سایه سیاست‌های اشتباه خلفا رخت برپست
و معیارهایی که نزد خدا اجر معنوی دارد جایگزین با برخی معیارهای جاهلی در ملاک
برتری در سهم‌بردن بیشتر از بیت‌المال شد و همه اینها شکاف بین فقیر و غنی را
گسترده ساخت.

در منابع روایی و تاریخی فراوانی از شیعه و سنی آمده است که پیامبر اسلام ﷺ و
علی ﷺ در تقسیم بیت‌المال هیچ امتیازی بین افراد قائل نمی‌شدند و به تمام افراد سهم
یکسان می‌دادند. علی ﷺ به موالی همان‌قدر داد که به عرب اصلی می‌داد. وقتی در این
مورد با او سخن گفتند؛ چوبی را از زمین برداشت و میان دو انگشت نهاد و گفت:

تمام قرآن را تلاوت کردم و برای فرزندان اسماعیل بر فرزندان اسحاق
به‌اندازه این چوب برتری نیافتم. (ثقفی، 1355: 1 / 69 و 70)
همه آنچه را که در بیت‌المال بود، بین مردم تقسیم کرد و هیچ کس را

بر دیگری برتری داد. (مسعودی، 1409: 2 / 353، به نقل از: نجمان، 1411: 334)

حضرت در برابر معترضان به تقسیم مساوی می‌فرمود:

أَلَيْسَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَقْسِمُ بِالسَّوِيَةِ بَيْنَ
الْمُسْلِمِينَ؟ (مجلسی، 1374: 41 / 116)
آیا رسول الله ﷺ بیت‌المال را مساوی بین مسلمانان تقسیم نمی‌کرد؟

حضرت در پاسخ به اعتراض طلحه و زبیر هم فرمود:

[در مورد] اعتراض شما درباره اینکه [چرا بین شما و سایر مسلمانان] به
مساوات رفتار کرده‌ام، [پاسخ این است که این کار] حکمی نبود که به رأی
خود و مطابق هوای خویش کرده باشم؛ بلکه من و شما می‌دانیم که این،
همان دستوری است که پیامبر ﷺ آورد و اجرا کرده. (سید رضی، 1379: 205 خ)

2. ذخیره‌سازی نکردن

میلیاردها درهم مربوط به خمس غنایم، خراج، جزیه، زکات و عشور زمانی در اختیار
حکومتی قرار گرفت که حاکم و اطرافیان او بر پایه منافع شخصی و مصالح گروهی عمل
می‌کردند و قدرت سیاسی و نظامی و تمام مناسبات، بر مدار منافع شخصی و حزبی آنان
تنظیم می‌شد.

امیرمؤمنان علی علیه السلام در چنین وضعی بر مصدر حکومت قرار گرفت و تغییر مناسبات
به سمت محوریت حق و ضوابط الهی را رسالت مهم خود قرار داد، پس گفتار و سیره
حضرت علیه السلام را باید با توجه به چنین موقعیتی تفسیر و تبیین کرد تا مقصودش را دریافت.
پیامبر ﷺ و علی علیه السلام بیت‌المال را در انبار ذخیره نمی‌کردند و چون مردم را صاحب
حق در آن می‌دانستند، آن را در نخستین فرصت، بین مسلمانان و صاحبان حق توزیع
می‌کردند. وقتی عمر به خلافت رسید، برخلاف پیامبر ﷺ، روش ذخیره‌سازی و تشکیل

دیوان را در پیش گرفت و بیت‌المال را سالانه بین افرادی که مستحق می‌دانست، تقسیم کرد. علی علیه السلام می‌فرمود:

دوستم رسول الله صلی الله علیه و آله مالی را در بیت‌المال برای روز بعد حبس نمی‌کرد. ابوبکر هم چنین عمل می‌کرد. وقتی عمر به خلافت رسید، دیوان تشکیل داد و توزیع اموال را از سالی تا سال دیگر به تأخیر انداخت؛ من چنان عمل می‌کنم که دوستم رسول الله صلی الله علیه و آله می‌کرد. (ثقفی، 1355: 47)

در برخی منابع روایی آمده است: وقتی حضرت علیه السلام وارد بیت‌المال می‌شد و می‌دید اموالی در آن جمع شده است، خطاب به بیت‌المال می‌فرمود: شب نمی‌کنم؛ در حالی که درهمی در تو باشد. (ابن‌سلام، 1406: 284)

یا وقتی مالی می‌رسید، آن را تقسیم می‌کرد و می‌فرمود: من انباردار شما نیستم. (همان) اهمیت سرعت در تقسیم بیت‌المال نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله چنان بود که وقتی اموالی نزدش می‌ماند که باید به مستحقان می‌رسید، آثار اندوه در چهره‌اش نمایان می‌شد. اُم‌سلمه می‌گوید:

رسول خدا صلی الله علیه و آله به خانه‌ام آمد؛ در حالی که رنگ چهره‌اش تغییر کرده بود. گمان بردم این وضعیت به سبب مریضی باشد. گفتم: ای رسول خدا! چرا حالت این چنین است؟ فرمود: به دلیل هفت دیناری است که دیروز به من رسید و تا شب تقسیم نشد و اکنون کنار بستم است. (ابویعلی، 1408: 6 / 288، ح 6981؛ بخاری، 1410: 159، ح 1363)

سیره امیرمؤمنان علیه السلام در فعالیت اقتصادی شخصی

فعالیت‌های اقتصادی افراد به دو دسته تقسیم می‌شود. تحلیل تولید و انگیزه آن و تخصیص درآمد و انگیزه افراد، دانش اقتصاد خرد را تشکیل می‌دهد. در ادامه سیره علی علیه السلام در این دو بخش تحلیل می‌شود.

1. سیره علی علیه السلام در سرمایه‌گذاری و تولید

امیرمؤمنان علیه السلام به کار و تولید اهمیت فراوانی می‌داد و خود سرمایه‌گذاری، کار و تولید

می‌کرد و از این طریق، ثروت و املاک فراوانی به دست می‌آورد. پرسش اساسی این است که انگیزه حضرت از تحصیل این همه ثروت و درآمد چه بود؟ در نظریه‌های دانش اقتصاد، به رنج انداختن خود برای تولید و درآمد بدون سود بردن، هیچ جایگاهی ندارد، اما امیرمؤمنان علیه السلام به لحاظ جایگاه اجتماعی خود، اصالت لذت‌طلبی مادی را در رفتارهای اقتصادی به شدت نفی و منکر نظریه حداکثر کردن سود مادی در تولید می‌شود. (سید رضی، 1379: ن 45)

اگر انگیزه حضرت از درآمد و تولید، لذت‌طلبی مادی و حداکثر کردن سود مادی بود، هرگز با آن همه درآمد،¹ سطح زندگی خود را در حدی قرار نمی‌داد که الگوی فقیران در زندگی باشد. امام باقر علیه السلام زندگی حضرت را هنگامی که حکومت داشت، چنین معرفی می‌کند:

[امام علی علیه السلام] پنج سال حکومت کرد، نه آجری بر آجری برای خود قرار داد و نه خشتی بر خشتی نهاد؛ نه زمینی و ملکی برای خود جدا کرد و نه درهم و دیناری را به ارث گذاشت. فقط هفتصد درهم از سهمش از بیت‌المال مانده بود که خواست با آن خدمتکاری برای خانواده‌اش فراهم کند. (کلینی، 1401: 8 / 130، ح 100)

این در حالی بود که افزون بر اموال شخصی، بیت‌المال هم در اختیارش بود. این رفتار اقتصادی علی علیه السلام را چگونه باید تحلیل کرد؟ آیا می‌شود گفت انگیزه امیرمؤمنان از این رفتارهای اقتصادی، بیشتر کردن سود نبود و سعادت و رفاه را دنبال نمی‌کرد؟ پاسخ را باید در نوع جهان‌بینی حضرت جست. آری! او نیز به دنبال سعادت، رفاه، سود و لذت بود؛ اما از دیدگاه آن بزرگوار، سود و لذت فقط به نوع مادی تفسیر نمی‌شود؛ بلکه باید مجموع سود و لذت آخرتی و دنیایی را در نظر داشت. در گزینش سود و لذت هم باید به سود و لذتی اندیشید که بیشتر و پایدارتر باشد. گذشتن از سود و لذت ناپایدار و اندک دنیا برای رسیدن به سود و لذت پایدار و فراوان آخرت، گزینه‌ای کاملاً عقلایی

1. حجم دارایی امام در عنوان بعدی بررسی خواهد شد.

است و انتخاب این گزینه به کسانی اختصاص دارد که بتوانند جهانی فراتر از جهان مادی را که نعمت‌های گسترده و پایدار دارد درک کنند. هر کس آن را بهتر درک کند و ایمانش بیشتر باشد، اهمیت سود و لذت آن جهان در نظرش افزون‌تر خواهد شد، و تلاش وی برای کسب سود و لذت آن جهان با رهاکردن سود و لذت دنیایی، افزون‌تر خواهد شد. اگر درک انسانی از جهان آخرت و نعمت فراوان و پایدار آن مانند درک امام علی علیه السلام باشد، زاهدانه رفتار خواهد کرد و خطاب به دنیا خواهد گفت:

ای دنیا! از من دور شو. افسارت را به پشتت افکندم. من خود را از چنگال‌هایت رها کردم و از دام‌هایت بیرون افکندم و از آن پرتگاه‌ها که بر سر راه من کنده‌ای، اجتناب کردم. (سید رضی، 1379: ن 45)

البته حضرت هشدار می‌دهد که هیچ‌گاه دیگران در این درک از آخرت و سود و لذت‌های آن و در نوع رفتار در این دنیا نمی‌توانند هم‌اورد او باشند، ولی از پیروانش می‌خواهد او را با پارسایی و پاک‌دامنی یاری کنند. (همان: 317)

امیرمؤمنان کار و عبادت برای بهشت را عبادت تجار می‌شمارد؛ نه عبادت آزادگان، بنابراین، تحلیل پیشین درباره رفتار اقتصادی حضرت علیه السلام درست نیست.

در پاسخ می‌توان گفت: پاداش و سود آخرتی، اعم از حبّ الله و رضای خدای متعال است. برای امیرمؤمنان رضوان و حبّ الهی پاداش آخرتی است، برای سایر مؤمنان در رتبه‌های پایین‌تر، بهشت و نعمت‌هایش پاداش آخرتی‌اند؛ گرچه شاید حبّ و رضوان الهی را نیز بتوان درجه بالایی از بهشت دانست که اهل تخصص و فن در این باره باید نظر دهند.

2. سیره علی علیه السلام در توزیع و تخصیص درآمد

ابتدا گزارش کوتاهی از حجم دارایی امام علی علیه السلام ارائه می‌کنیم تا روشن شود که حضرت چه میزان ثروت داشت تا در تخصیص درآمد و ثروت، اهمیت تخصیص درآمدهایش بیشتر آشکار شود.

یک. حجم دارایی امیرمؤمنان علیه السلام

امیرمؤمنان در زمان حیات رسول الله صلی الله علیه و آله چندان فرصت کار و تلاش نداشت و درآمدش بسیار اندک بود. در مدت نزدیک به پنج سال حکومت هم، وضع کار و درآمد امام شبیه دوران حیات رسول الله صلی الله علیه و آله بود، اما در دوره دوری از حکومت (حدود بیست و پنج سال) فرصت مناسبی برای کار و تولید پیش آمد، به طوری که از برخی روایات و نقل‌های تاریخی بر می‌آید که دارایی‌اش بسیار عظیم و فراوان بود، به طوری که زکات اموالش بیش از چهل هزار دینار می‌شد. (ابن حنبل، 1414: 1 / 334، ح 1368؛ شیبانی، 1403: 2 / 712، ح 1218) در روایت دیگری از امام نقل شده است که زکات مالش بنی‌هاشم را کفایت می‌کرد. (مجلسی، 1374: 41 / 43)

امام املاک گسترده و حاصل خیز و چاه‌های فراوانی در منطقه ینبع داشت. تعداد این چاه‌ها به صد حلقه می‌رسید. (ابن شهر آشوب: 2 / 132) و محصول املاک حضرت بیش از هزار وسق (180 تن) بود. (مبرد، 1413: 3 / 1128) ارزش این املاک بسیار بالا بود، به طوری که از روایات بر می‌آید معاویه برای خرید ملک «عین ابی نیزر» دویست هزار دینار به امام حسین علیه السلام پیشنهاد داد، اما حضرت نپذیرفت. (همان) هنگام تقسیم فء به وسیله رسول الله صلی الله علیه و آله، زمینی هم در ینبع نصیب علی علیه السلام شد. (کلینی، 1401: 7 / 54، ح 9) خود حضرت هم قطعه زمین دیگری را در آنجا به قیمت سی هزار درهم خرید. (النمیری البصری، 1410: 3 / 209)

افزون بر اینها پیامبر صلی الله علیه و آله ذی العشیره را به علی علیه السلام اقطاع کرد و عمر نیز بعد از رسیدن به خلافت، قطعه زمین دیگری را در ینبع به علی علیه السلام اقطاع نمود. (الدمشقی، 1419: 1 / 221)

امام صادق علیه السلام فرمود:

درهم‌هایی که علی علیه السلام در یک بار از فروش خرماي شخصی خود بین نیازمندان تقسیم کرد، صد هزار درهم بود. (کلینی، 1401: 6 / 439، ح

امیرمؤمنان علیه السلام سطح زندگی خود را در حد سطح زندگی فقیران قرار داده بود، در حالی که توان مالی و درآمدش اجازه می‌داد غذایش از عسل مصفاً و مغز گندم و لباس‌هایش ابریشمی باشد. (سید رضی، 1379: ن 45)

موقوفات فراوان امیرمؤمنان علیه السلام در مدینه و اطرافش گواه آن است که وی املاک بسیاری در مدینه و اطرافش داشت.

برخی موقوفات حضرت علیه السلام در مدینه عبارت‌اند از:

الفقیزین در منطقه عوالی؛ بئر الملک در منطقه قناه، الادبیه در وادی إضم؛ عین ناقه در وادی القری؛ ملک دیگری در وادی القری؛ سهمی از عین سُکر؛ نهری در چشمه‌ای در بیره؛ سرزمینی به نام الاحمر؛ منطقه‌ای به نام البیضاء که دارای مزارع است؛ چاه‌هایی به نام ذات کما، ذوات العُشراء، قعین، معید و رعوان؛ دره‌ای به نام رعیه در فدک که دارای درختان خرما و آب‌های فراوانی بود؛ دره‌ای به نام الأسحن در منطقه فدک؛ ملکی به نام القصیبه در فدک (النمیری البصری، 1410: 1 / 223 و 225)؛ منطقه‌ای که مسجد شجره در آن واقع شده و به نام آبار علی علیه السلام معروف است. (سمهودی، 1404: 4 / 139) برخی منابع، تعداد حلقه‌های چاه امام علیه السلام را در وادی عقیق 23 عدد می‌دانند. (قائدان، 1374: 403، 409)

این روایات و نقل‌های تاریخی به روشنی آشکار می‌سازند که املاک و ثروت‌های امیرمؤمنان بسیار بود و حضرت در حفظ املاک و ثروت‌هایش تا آخر عمرش کوشا بود.^۱ امام روی املاک خود کار می‌کرد و آنها را آباد می‌ساخت. امام برده‌های بسیاری هم داشت که همه روی املاک امام به کار و تولید مشغول بودند.^۲

1. چون وقف‌نامه‌های حضرت در سال‌های آخر عمر با برکتش نوشته است. (کلینی، همان: 7 / 51 - 49؛ ابوحنیفه النعمان، 1385: 341، ح 1284)

2. امام علی علیه السلام برای رضای خدا هزار برده را با درآمد حاصل از کار و تلاش خود خرید و آزاد کرد. (کلینی، 1401: 8 / 165، ح 175؛ نوری طبرسی، 1408: 13 / 23، باب 8) این اقدام امام در کنار بهره‌گیری از کار و تولید، نشان می‌دهد که هرگاه آزادی بردگان به نفع آنان تمام می‌شد، امام آنان را آزاد

به سبب این تلاش‌ها درآمدهای سالانه حضرت علیه السلام بسیار بود؛ اما این همه درآمد و ثروت را به چه انگیزه‌ای و در چه راه‌هایی مصرف می‌کرد تا مطلوبیت حاصل از آن به حداکثر برسد؟

ابتدا راه‌های تخصیص درآمد و مصرف حضرت را بررسی می‌کنیم تا به انگیزه وی و میزان ضریب اهمیت راه‌های تخصیص درآمد از دیدگاه حضرت علیه السلام پی ببریم.

دو. راه‌های تخصیص درآمد و ثروت امیرمؤمنان علیه السلام

هر مسلمانی حق دارد درآمد و ثروت خود را در سه طریق هزینه کند:

1. هزینه‌های شخصی؛
2. هزینه‌های پس‌انداز و سرمایه‌گذاری؛
3. هزینه‌های فی سبیل الله. با توجه به اینکه معصومان علیهم السلام از راکد گذاشتن مال نهی کرده‌اند، تخصیص درآمدها و ثروت‌های علی علیه السلام باید در چارچوب سه امر پیش‌گفته بررسی شود.

الف) هزینه‌های مصرفی شخصی

این هزینه‌ها شامل هزینه خوراک، پوشاک، مسکن، بهداشت و حمل و نقل می‌شود. درباره خوراک حضرت مطالب فراوانی نقل، و بسیاری از این مطالب در کتاب موسوعه الامام علی ابن ابی طالب علیه السلام جمع‌آوری شده است. (محمدی ری‌شهری، 1421: 9 / 356 - 349) غذای علی علیه السلام در حد غذای فقیرترین افراد جامعه و مانند غذای بردگان بود. (همان: 9 / 350، ح 4568) از خوردن غذاهای لذیذی که رسول الله صلی الله علیه و آله نمی‌خورد، پرهیز می‌کرد. (همان: 355، ح 4584) گوشت نمی‌خورد، مگر آنکه به سنت قربانی عمل کرده باشد. (همان: 348، ح 4563)

نان امام از جو، و خورش نانش نمک، شیر، خرما و سرکه بود. (همان: 351، ح

می‌کرد. (برای آشنایی بیشتر با این بحث، ر. ک: رشاد، 1380: 7 / 300)

4572 - 4570) این نوع غذاها را در حالی می‌خورد که می‌توانست غذاهایی از عسل مصفا و مغز گندم تهیه کند. (سید رضی، 1379: ن 45) امیرمؤمنان علیه السلام خود چنین مصرف می‌کرد؛ اما از دیگران با غذاهای خوب همانند گوشت و نان گندم پذیرایی می‌کرد. (محمدی ری‌شهری، 1421: 9 / 350، ح 4598؛ 351، ح 4570)

در عصری که پادشاهان و خلفا، پوشیدن لباس‌های فاخر و گران قیمت را از افتخارات خود می‌دانستند، امیرمؤمنان علیه السلام لباسی می‌پوشید که فقیرترین افراد به تن می‌کردند. جنس لباس‌های حضرت از کرباس یا پشم، و رنگ لباس‌هایش به طور معمول سفید بود، و ارزش لباس‌هایش حدود سه تا چهار درهم بود. (همان: 359، ح 4596؛ 360، ح 4598 و 4599؛ 364، ح 4615) حضرت علیه السلام تا جایی که ممکن بود با وصله زدن لباس‌های پاره، از آنها استفاده می‌کرد؛ به طوری که فرمود:

به خدا سوگند که این جامه پشمین خود را چندان پینه زدم که از پینه‌کننده آن شرم دارم. (سید رضی، 1379: خ 160)

امیرمؤمنان علیه السلام در حالی چنین لباسی می‌پوشید که توان پوشیدن بهترین و فاخرترین لباس‌ها را از بافته‌های ابریشم داشت. (همان: ن 45)

وضعیت خانه و مسکن او نیز شبیه خوراک و پوشاک او بود. تا در مدینه زندگی می‌کرد، مسکن معمولی داشت و هنگامی که در یثرب به کشاورزی مشغول بود، در منزل شخصی خود زندگی می‌کرد. امام باقر علیه السلام درباره مسکن وی در دوران حکومت می‌فرماید:

پنج سال بر مردم حکومت کرد؛ درحالی‌که هیچ آجری روی آجری نگذاشت و هیچ خشتی بر خشتی ننهاد. (کلینی، 1401: 8 / 130، ح 100)

امام علیه السلام هزینه‌های دیگری هم برای بهداشت (نوری طبرسی، 1408: 1 / 419) و حمل و نقل (ابویعلی، 1408: 1 / 264، ح 266) داشت، اما در این امور نیز به مقدار

لازم بسنده می‌کرد.

پرسش مهم: آیا این شیوه مصرف شخصی در خوراک، پوشاک و... می‌تواند الگوی مطلوب و تعمیم‌پذیر برای همه باشد؟

این پرسش آنگاه بیشتر نمود می‌یابد که به حسب برخی نقل‌های روایی، بین سیره امام علیه السلام و برخی معصومان در ظاهر تعارض مشاهده شود. علی بن حسین علیه السلام در زمستان دو لباس می‌پوشید که پانصد دینار ارزش داشت. (طبرسی، 1420: 167) آیه «مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالتَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ» (اعراف / 32) را تلاوت می‌کرد. (کلینی، 1401: 6 / 451، ح 4) امام صادق علیه السلام نیز لباسی گران‌بها از جنس خز می‌پوشید. (همان: 450، ح 1؛ 451، ح 6) افزون بر این، خود امیرمؤمنان علیه السلام به رغم چنین رفتار مصرفی در خوراک و پوشاک، دیگران را از پیروی از چنین الگویی نهی می‌کرد. (سید رضی، 1379: خ 209)

در پاسخ می‌توان به این مطالب اشاره کرد:

1. وظیفه رهبران عادل جامعه با دیگران فرق دارد. الگوی مصرف رهبر عادل باید به گونه‌ای باشد که تحمل فقر برای تهی‌دستان سخت نباشد و از خدا نافرمانی نکنند. هنگامی که به علی علیه السلام خبر دادند عاصم بن زیاد به جهت اقتدا به شما استفاده از نعمت‌های خدا را بر خود حرام و اهل و عیال خود را ترک کرده است، حضرت ناراحت شد، او را خواست و توبیخ و نصیحت کرد. آنگاه عاصم گفت: یا امیرمؤمنان! پس شما چرا این‌گونه غذای ناگوار می‌خوری و لباس خشن می‌پوشی؟ امام علیه السلام فرمود:

وای بر تو! خدای متعال بر رهبران عادل واجب کرده است همچون طبقات ضعیف زندگی کنند تا فقر، آنان را آزار ندهد و از خدا نافرمانی نکنند. (کلینی، 1401: 1 / 410، ح 3)

2. امامان و رهبران معصوم علیهم السلام با بهتر شدن اوضاع اقتصادی عمومی از خوراک و

پوشاک بهتری بهره‌مند می‌شدند، لذا وقتی به امام صادق علیه السلام درباره وضعیت زندگی‌اش اعتراض و شیوه زندگی وی را با امیرمؤمنان مقایسه کردند، پاسخ داد:

علی علیه السلام در عصر فقر مردم به سر می‌برد و لباس متناسب با پوشش آن زمان می‌پوشید و مردم آن را زشت نمی‌پنداشتند. (همان: 6 / 444، ح 15)

امام صادق علیه السلام در جایی دیگر فرمود:

هنگامی که اوضاع اقتصادی بهتر شود، خوبان و نیکان در بهره بردن از دنیا ترجیح دارند و ما سزاوارترین مردم هستیم. (همان: 442، ح 8)

3. پیش‌تر گذشت که افزون بر درآمدهایی مانند زکات، مقارن با فتوحات غرب و شرق، درآمدهای عظیمی از راه‌های خراج، جزیه و... در اختیار حکومت قرار گرفت. همچنین انحرافات در بخش توزیع امکانات و درآمدهای عمومی، پدید آمد. این انحراف‌ها، سبب کج‌روی بسیاری از بزرگان و صحابه مانند طلحه و زبیر شد و آنان به جای دفاع از حق و جلوگیری از انحراف، به جمع‌آوری دارایی و تشکیل زندگی تجملاتی روی آوردند و به خوشگذرانی مشغول شدند. نتیجه این توزیع ظالمانه، فقر گسترده‌ای بود که دامن بخش بزرگی از مردم را گرفت. (سید رضی، 1379: خ 129)

در چنین وضعی، شخصی چون مولای متقیان که یگانه الگوی قابل پیروی در جایگاه رهبر و هادی مردم است، چگونه باید زندگی کند؟ فقیرانه زندگی کردن امیرمؤمنان در چنین وضعیتی از هم‌دردی با فقیران، فریادی بلند علیه ظلم حاکمان وقت و الگویی عملی برای اندک صحابه رسول الله صلی الله علیه و آله مانند ابوذر و سلمان بود که همچنان بر تحقق آموزه‌های نبوی در جامعه اصرار می‌ورزیدند.

4. گاهی تفاوت زندگی امامان معصوم علیهم السلام برای مبارزه با برخی جریان‌های انحرافی فکری در عصرشان بود؛ چنان‌که در زمان امام صادق علیه السلام جریان‌های صوفیگری در حال رشد و شکل‌گیری بود و حضرت برای مبارزه با این جریان‌ها بر نوع پوشش و زندگی

خاصی اصرار داشت. (کلینی، 1401: 5 / 65، ح 1) بنابراین، بر معصوم علیه السلام لازم است مردم را با گفتار و عمل از انحراف بازدارد و به صراط مستقیم هدایت کند. امام علیه السلام با پوشیدن لباس متعارف، پیروان خود را از پوشش غیر متعارف که نوعی دسته‌بندی انحرافی بود، منع می‌کرد.

نتیجه بررسی در مورد هزینه‌های شخصی امیرمؤمنان را این گونه می‌توان توضیح داد:

1. هزینه‌های شخصی حضرت با توجه به ثروت و درآمد فراوان امیرمؤمنان، بسیار

اندک بود.

2. مقدار هزینه‌های شخصی علی علیه السلام بستگی زیادی به وضعیت اقتصادی و سیاسی

آن عصر داشت.

3. هدف امام در تخصیص درآمدها به بخش هزینه‌های شخصی، حداکثر کردن

مطلوبیت مادی نبود و گرنه هزینه‌هایش خیلی بیشتر از آن چیزی می‌شد که به خود اختصاص داده بود و اگر هدف وی حداکثر کردن مطلوبیت مادی بود، به گفته خود حضرت، باید از عسل مصفا و مغز گندم برای غذا و از نخ‌های ابریشم برای لباس استفاده می‌کرد.

(ب) هزینه‌های پس‌انداز و سرمایه‌گذاری

اختصاص بخشی از درآمدها به پس‌انداز و سرمایه‌گذاری برای مصرف نکردن از سرمایه امری مطلوب است؛ چون فرد مطلوبیت خود را در مصرف درآمدهایش به حداکثر می‌رساند. حداکثر کردن مطلوبیت از مصرف درآمدها با پس‌انداز و سرمایه‌گذاری، کاری عقلایی است، اما منابع پس‌انداز و سرمایه‌گذاری امیرمؤمنان از ناحیه تخصیص درآمدها چندان فراوان نبود و ثروت‌هایش املاکی بودند که با اقطاع یا کار روی زمین‌های بایر و آباد کردن آنها به دست آمده بود و فقط یک مورد در منابع مشاهده می‌شود که امیرمؤمنان ملکی به سی هزار درهم خریده است. (النمیری البصری، 1410: 1 / 219) امیرمؤمنان در سخنانی، راکد گذاشتن اموال را برخلاف فلسفه وجودی مال می‌داند؛

چراکه خداوند اموال را برای رفع نیازهای انسان آفرید؛ پس اگر انسان‌هایی به اموال نیازمند باشند، آن اموال نباید راکد بمانند. امام براساس همین منطق، ذخیره کردن مال در محل بیت‌المال را نمی‌پسندید. (ثقفی، 1355: 1 / 49)

در روایات فراوانی هم از معصومان آمده است که راکد گذاشتن مال، خلاف مسیر اصلاح مال است و بهترین دارایی آن است که آن را اصلاح کنی و در مسیر بهره‌وری و بهره‌برداری قرار دهی. (آمدی، 1373: 2 / 428، ح 3145؛ 5 / 96، ح 7163؛ نوری طبرسی، 1408: 3 / 49)

با توجه به این، امام ثروت و درآمدهای فراوانی داشت. بخش کمی از درآمد وی به پس‌انداز و سرمایه‌گذاری اختصاص می‌یافت. با ملاحظه اینکه مصرف شخصی حضرت علیه السلام نیز اندک بود، معلوم می‌شود که بیشترین درآمد و ثروت حضرت علیه السلام به موارد دیگری اختصاص می‌یافت که در ادامه، توضیح مختصری درباره آن ارائه می‌شود.

ج) هزینه‌های فی سبیل الله

این قبیل هزینه‌ها در اموری است که دیگران از آن سود می‌برند و هزینه‌کننده، انتظار بازگشت مادی ندارد و شامل موقوفات، ساختن مراکز آموزشی، مساجد، کمک به نیازمندان و... می‌شود. هزینه‌کننده در برابر این هزینه‌ها، همچنان در پی بیشتر کردن مطلوبیت خود از تخصیص درآمد است، اما این مطلوبیت شامل رضایتمندی حاصل از مصرف کالا و خدمات در این دنیا نیست، بلکه مطلوبیت بسیار بیشتر و بالاتری مورد نظر وی است که در آخرت نصیب او می‌شود. در این گونه تخصیص، دیگران بهره می‌برند و توزیع مناسب ثروت و درآمد تحقق می‌یابد. از طرف دیگر، باعث رشد و کمال معنوی هزینه‌کننده می‌شود و بهره‌های آخرتی او افزایش می‌یابد.

امام علیه السلام انسان کامل و بهترین انسان را کسی معرفی می‌کند که به دیگران نفع برساند و بخشی از هزینه‌های دیگران را تأمین کند. (آمدی، 1373: 3 / 430، ح 5001 و 5002)

امام علیه السلام سرمایه خود را (اصل ثروت و املاک) در راه خدا مصرف کرد و چیزی به صورت ارث برای ورثه باقی نگذاشت و نیز همه درآمدهای ناشی از دارایی‌اش را در راه خدا انفاق کرد.

1. تخصیص درآمدهای جاری: یاری نیازمندان از موارد بسیار روشن هزینه‌های امام علیه السلام بود. در این یاری‌رسانی، حضور مستقیم امام گویای اهمیت فراوان یاری‌رسانی است. محمد بن صمّه نقل می‌کند:

مردی را در مدینه دیدم که مَشکی بر دوش و کاسه‌ای در دست داشت و می‌گفت: «ای خدای من! ای ولی مؤمنان و ای خالق و پناه‌دهنده مؤمنان! قربانی امشب مرا بپذیر. فقط با آن چیزی که در ظرف دارم و به دوش می‌کشم، به شب درآمد. تو می‌دانی که با وجود گرسنگی‌ام، نفَس خود را از آن باز داشتم. تقرب به سوی خودت را پاداش من قرار ده. پروردگار! دعایم را بپذیر. نزدیک وی رفتم تا او را شناختم؛ او علی بن ابی‌طالب علیه السلام بود و در پی مردی رفت و به او غذا داد. (مجلسی، 1374: 41 / 29 و 30، باب 102، ح 1)

محمد بن حنفیه می‌گوید:

آنگاه که تاریکی شب، همه‌جا را فرا می‌گرفت، قنبر را صدا می‌زد و با کوله‌باری از خرما و آرد به سوی خانه‌هایی که قبلاً شناسایی کرده بود، به راه می‌افتاد؛ به گونه‌ای که هیچ‌کس از کارش آگاه نمی‌شد. از او پرسیدم: پدر! چه چیز شما را از عطایا در روز باز می‌دارد؟ فرمود: پسر، صدقه پنهانی، خشم پروردگار را فرو می‌نشاند. (زمخشری، 1401: 2 / 148)

از این دو بیان بر می‌آید که حضرت در تخصیص درآمد به فقیران و نیازمندان نظری به کسب محبوبیت در نظر مردم و جایگاه اجتماعی نداشت و با این امر در پی بیشتر کردن مطلوبیت مادی هم نبود؛ بلکه تنها در پی جلب رضای خدا و بیشتر کردن مطلوبیت معنوی و آخرتی بود. تلاش حضرت در تحصیل رضای خداوند چنان بود که تحمل گرسنگی و دادن همه درآمد به نیازمندان کار آسانی برایش بود. محمد حنفیه

می‌گوید:

هر گاه محصول باغ‌های پدرم به دست می‌آمد، [ابتدا] مخارج خود و خانواده و افراد تحت تکفل را جدا می‌کرد؛ آنگاه مخارج حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و مرا می‌داد و در مورد سایر فرزندان بالغ خود نیز چنین می‌کرد. همچنین به عقیل و فرزندان و فرزندان جعفر و اُمّهانی و فرزندان و جمیع فرزندان نیازمند عبدالمطلب و بنی‌هاشم و اولاد مطلب بن عبدمناف و نوفل بن عبدمناف عطا می‌کرد و همین طور به جماعتی از افراد نیازمند قریش و خانواده‌هایی از انصار و غیر اینها صله می‌داد تا آنجا که چیزی از درآمد باقی نمی‌ماند. رضوان و رحمت الهی بر او باد. هیچ‌گاه کسی حاجتی نزد او نیاورد، مگر آنکه با خرسندی بازگشت. (همان)

امام درآمدهای خود را افزون بر مصرف در مسیر رفع نیاز مستمندان، برای آزاد کردن برده‌ها و ساختن بناهای مذهبی و آبادانی نیز به کار می‌گرفت. در برخی منابع آمده است که بیش از شش مسجد ساخت و راه مدینه - مکه را نیز بازسازی کرد. (ابن شهر آشوب، 1379: 2 / 123) طبق روایاتی دیگر، آن حضرت هزار برده از درآمدهای خود آزاد کرد و امامان علیهم السلام این مطلب را همیشه با افتخار به امیرمؤمنان علیه السلام نسبت می‌دادند. (محمدی ری‌شهری، 1421: 9 / 377 و 378)

2. تخصیص ثروت و املاک: امام ارثی از املاک و ثروت، غیر از هفتصد درهم، باقی نگذاشت و از سوی دیگر در سیره امام، فروش املاک و دارایی مشاهده نمی‌شود؛ بلکه برعکس، از راه‌های مباح می‌کوشید بر املاک و دارایی خود بیفزاید و از آنها درآمد به دست آورد و در راه خدا مصرف کند؛ پس امام املاک و دارایی خود را چه کرد و به چه اموری اختصاص داد و چه هدف و انگیزه‌ای را از آن تخصیص، دنبال می‌کرد؟ امام تمام املاک و دارایی خود را در راه کسب خشنودی خداوند و رسیدن به نعمت‌های بهشت وقف کرد. برای توضیح این مطلب تعدادی از سخنان حضرت را مرور می‌کنیم.

کلینی یکی از وصیت‌نامه‌های امام در مورد وقف املاک و اموال را چنین نقل می‌کند:

به نام خدای بخشنده مهربان. این وصیت و تصمیمی است که بنده خدا علی درباره مالش برای جلب رضای الهی گرفت. امیدوار است خدا او را به خاطر آن، به بهشت داخل کند و از آتش جهنم باز دارد و روزی که برخی چهره‌ها سفید و برخی سیاه می‌شوند، آتش را از من دور سازد... (کلینی، 1401: 7 / 49)

پیش‌تر، در بحث حجم دارایی‌های امیرمؤمنان، موقوفات حضرت معرفی و معلوم شد که وی تمام اموال را برای جلب رضای الهی وقف کرد.

امیرمؤمنان با کوشش، بر املاک و دارایی می‌افزود؛ در نتیجه درآمدهای حاصل از املاک و دارایی‌اش نیز بیشتر می‌شد؛ اما او سطح زندگی‌اش را در حد سطح فقیران قرار می‌داد و تمام املاک و دارایی را وقف می‌کرد. دانش اقتصاد خرد، چنین رفتارهای اقتصادی را قبول کردنی نمی‌داند؛ چون این رفتارها در مسیر حداکثر کردن لذت مادی دنیایی با مصرف کالاها و خدمات نیستند، چراکه امیرمؤمنان در پی حداکثر کردن مطلوبیت حیات دنیایی و آخرتی است.

علی علیه السلام با چنین رفتار اقتصادی و با آن انگیزه، بارها مورد ستایش خدای متعال قرار گرفت؛ آنگاه که دیگران را، با توجه به نیاز خود و خانواده‌اش به اندک غذایی، ترجیح داد، (حویزی، 1415: 5 / 285، ح 51) آیه ایثار در حق حضرت علیه السلام فرود آمد. (حشر / 9) وقتی باغی را برای رفع نزاع و اذیت از انسانی خرید و به فقیری بخشید، آیات سوره لیل درباره این عمل نازل شد. (لیل / 21 - 18)

هنگامی که خود و خانواده‌اش روزه گرفتند و غذای خود را انفاق کردند، آیات سوره دهر نازل شد. (دهر / 10 - 8)

زمانی که با انفاق، اسباب هدایت دیگران را فراهم آورد، آیاتی از سوره نور او را ستودند. (نور / 37 و 38)

در تمام این آیات، به انگیزه امیرمؤمنان علیه السلام تصریح شده که عبارت است از رسیدن به رستگاری: «فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ». (حشر / 9)، خشنودی خداوند متعالی: «ابْتَغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِ الْأَعْلَى». (لیل / 21)، خوف از خدا: «لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَ لَا شُكُوراً إِنَّا نَخَافُ مِنْ رَبَّنَا يَوْماً عَبَّوساً قَمْطَرِيرًا» (دهر / 10) و پاداش الهی: «لِيَجْزِيَهمُ اللَّهُ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا». (نور / 38)

نتیجه‌گیری

اقدامات علی علیه السلام در عرصه توزیع اقتصادی و موفقیت‌های آن، الگوی مناسبی برای همه به‌ویژه برای شیعیان و پیروان حضرت علیه السلام است. مبارزه بی‌امان با مفسدات اقتصادی و بستن راه‌های سوء استفاده افراد طماع و بهره‌مندی همه مردم از امکانات و فرصت‌های اقتصادی و توزیع سریع بیت‌المال بین کسانی که در آن حقی دارند باعث می‌شود همه مردم به رفاه دست یابند.

رفتارهای شخصی علی علیه السلام به گونه‌ای بود که در عرصه تولید و تخصیص درآمد، در پی حداکثر کردن مجموع سود و مطلوبیت دنیوی و اخروی بود؛ البته حضرت به حداقل بهره‌مندی دنیوی بسنده می‌کرد و انگیزه تولید و توزیع ایشان به گونه‌ای بود که در پی حداکثرسازی منافع اخروی بودند.

لازم به ذکر است که اصل الگوی «حداکثرسازی مجموع منافع دنیوی و اخروی با پرهیز از محرمات و عمل به واجبات» را می‌توان فراگیر کرد و آنگاه امید داشت که عناصر اصلی اقتصاد از قبیل ثبات اقتصادی، پس‌انداز، سرمایه‌گذاری و تولید و توزیع عادلانه، وضعیت مناسب پیدا کنند و در نهایت رفاه برای همه حاصل شود.

منابع و مآخذ

1. سید رضی، 1379، نهج‌البلاغه، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ

اسلامی.

2. آمدی، محمد تمیمی، 1373، *غررالحکم و دررالکلم*، شرح محمد خوانساری، تهران، مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران، چ پنجم.
3. ابن ابی الحديد، 1407 ق / 1992م، *شرح نهج البلاغه*، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، دارالجلیل.
4. ابن ابی یعقوب، احمد، 1373، *تاریخ یعقوبی*، قم، انتشارات الشریف الرضی.
5. ابن الاثیر، 1442 ق، *الکامل فی التاریخ*، تحقیق دار الکتب العربی، بیروت، دارالکتب العربی، چ دوم.
6. ابن حنبل، احمد، 1414 ق، *المسند*، تحقیق عبدالله محمد الدرویش، بیروت، دار الفکر، چ دوم.
7. ابن سلام، ابوعبید القاسم، 1406 ق / 1986 م، *الاموال*، تحقیق خلیل هراس محمد، لبنان دار الکتب العلمیه، انتشارات الازهر.
8. ابن شهر آشوب، 1379 ق، *مناقب آل ابی طالب*، قم، مؤسسه علامه.
9. ابویعلی، احمد بن علی، 1408 ق، *مسند ابی یعلی*، تحقیق ارشاد الحق الاثری، جده، انتشارات دارالقبله.
10. بخاری، محمد بن اسماعیل، 1410 ق، *صحیح بخاری*، تحقیق مصطفی دیب البغا، بیروت، دار ابن کثیر، چ دوم.
11. بلاذری، احمد بن یحیی، 1417 ق، *انساب الاشراف*، تحقیق و مقدمه سهیل زکار و ریاض زرکلی، بیروت، دار الفکر.
12. تمیمی مغربی، نعمان بن محمد، 1385 ق، *دعائم الاسلام*، مصر، دارالمعارف، چ دوم.
13. الثقفی، ابواسحاق ابراهیم بن هلال کوفی، 1355، *الغارات*، تحقیق سید جلال الدین محدث الارموی، تهران، نشر انجمن آثار ملی.
14. الدمشقی، ابوالفداء اسماعیل بن عمر بن کثیر، 1419 ق / 1998 م، *البدایه و*

النهاية، تحقيق دار المعرفة، بيروت، دار المعرفة.

15. رشاد، علي اكبر (زير نظر)، 1380، *دانشنامه امام علي عليه السلام*، تهران مركز نشر آثار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی (مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر).

16. الزمخشري، ابوالقاسم محمود بن عمر، 1401 ق، *ربيع الابرار و نصوص الاخبار*، تحقيق سليم النعيمي، قم، منشورات الرضى.

17. السمهودي، علي بن عبدالله الحسنى الشافعى، 1404 ق، *وفاء الوفاء باخبار دار المصطفى*، تحقيق عبدالحميد و محمد محيى الدين، بيروت، دار احياء التراث العربى، چ سوم.

18. الشيبانى، ابو عبدالله احمد بن محمد بن حذيل، 1403 ق، *فضائل الصحابة*، تحقيق وصى الله بن محمد بن عباس، مكة، جامعة ام القرى.

19. طبرسى، حسن بن فضل، 1420 ق / 1378 ش، *مكارم الاخلاق*، تهران، نشر حبيب.

20. الطبرى، ابى جعفر محمد بن جرير، 1357 ق / 1939 م، *تاريخ طبرى (تاريخ الامم و الملوك)*، تحقيق محمد ابوالفضل ابراهيم، قاهره، مطبعة الاستقامة.

21. الطبرى، ابى جعفر محمد بن جرير، *تاريخ طبرى*، بيروت، دار التراث العربى.

22. عروسى الحويزى، 1415 ق، *تفسير نور الثقلين*، قم، اسماعيليان.

23. قائدان، اصغر، 1374، *تاريخ و آثار اسلامى مکه و مدینه*، قم، مركز تحقيقات حج، چ دوم.

24. الكلينى الرازى، يعقوب بن اسحاق، 1401 ق، *الكافى*، تحقيق على اكبر الغفارى، بيروت، دار صعب و دارالتعارف، چ چهارم.

25. الماوردى، على بن محمد، 1409 ق / 1989 م، *الاحكام السلطانية*، تحقيق خالد رشيد الجميلى، بغداد، انتشارات المجمع العلمى.

26. مبرد (الازدى)، ابوالعباس محمد بن يزيد، 1413 ق، *الكامل فى الادب*، تحقيق محمد احمد الدالى، بيروت، مؤسسة الرسالة.

27. مجلسی، محمد باقر، 1374، *بحار الانوار*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چ سوم.
28. محمدی ری شهری، محمد، 1421 ق، *موسوعة الامام علی ابن ابیطالب فی الکتاب و السنه و التاریخ*، قم، دارالحديث.
29. مسعودی، علی بن الحسین، 1409 ق، *مروج الذهب و معادن الجواهر*، بیروت، دار الفکر.
30. نجمان یاسین، 1411 ق / 1991م، *تطور الاوضاع الاقتصادية فی عصر الرسالة و الراشدین*، بغداد، دار الشؤون الثقافية العامة.
31. النقشبندی، ناصر السید محمود، 1372 ق، *الدینار الاسلامی*، بغداد، مطبعة الرابطة.
32. النمری البصری، ابوزید عمر بن شبة، 1410 ق، *تاریخ المدينة المنورة*، تحقیق فهیم محمد شلتوت، بیروت، دارالتراث.
33. نوری طبرسی، میرزا حسین، 1408 ق، *مستدرک الوسائل*، بی جا، مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث، چ دوم.





مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی